

## ایجاد و گسترش کتابخانه‌های آموزشی

### و نقش کتابخانه مدرسه در ایجاد عادت به مطالعه در دانش‌آموزان

● **فاطمه مرتضایی فرد**  
کتابدار و عضو شورای کتاب کودک

طبق آمار یک ایرانی تنها دو دقیقه در روز و در مقابل آن یک فرانسوی چهار ساعت در روز مطالعه می‌کند (اثر نی‌ریزی، ۱۳۸۳، ص ۲۸).

بدیهی است که ایجاد عادت به مطالعه در کودکی شکل می‌گیرد و خانواده به‌عنوان اولین پایگاه و پس از آن کتابخانه مدارس و مراکز آموزشی نقش مهم‌تری را در پیشبرد این هدف ایفا می‌کنند. طبق آمار وزارت ارشاد در سال ۱۳۸۳ فقط ۴۴۳۷ کتابخانه مدرسه در ایران وجود داشته که تهران با ۱۳۰۰ واحد بیشترین و استان کهگیلویه و بویر احمد با ۲۱ واحد کمترین تعداد کتابخانه را دارند.

بنابراین ضمن ایجاد کتابخانه‌های مدرسه براساس استانداردهای موجود و برنامه‌ریزی صحیح و تبدیل نظام آموزشی برنامه‌مدار به دانش‌آموزمدار و با کمک کتابخانه‌های آموزشی باید وضع مطالعه کودکان را بهبود بخشید و با پی‌گیری و تداوم بخشیدن به آن و افزایش کتابخانه‌های عمومی شاید بتوان امیدوار بود که آمار سرانه تغییر کند.

کتاب حاضر مخاطبان فراوانی را اعم از مسئولان نظام آموزش و پرورش، کتابداران مدارس و سرانجام دانشجویان رشته کتابداری و حتی مخاطبان عام را هم پوشش می‌دهد.

در سال‌های اخیر انتشار کتاب‌های کتابداری در زمینه‌های مختلف و از جمله کتابخانه‌های آموزشی افزایش چشمگیری داشته است. این منابع هریک از



■ احمدی فصیح، صدیقه. ایجاد و گسترش کتابخانه‌های آموزشی و نقش کتابخانه مدرسه در ایجاد عادت مطالعه در دانش‌آموزان. تهران: چاپار، ۲۱۷ ص، ۱۳۸۵، شابک: ۷-۵۹-۷۷۹۰-۹۶۴

مطالعه و پژوهش از اصلی‌ترین عوامل توسعه در هر کشوری است و پیرو آن توسعه کتابخوانی در هر جامعه به برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده نیاز دارد که به‌عده سازمان‌های دولتی و غیردولتی است. با وجود پیشینه تاریخی کتاب و کتابخانه در ایران، در حال حاضر این پدیده در کشور ما بسیار غریب و مظلوم است، به طوری که میانگین سرانه مطالعه بسیار پایین است و



کتاب حاضر مخاطبان فراوانی را اعم از مسئولان نظام آموزش و پرورش، کتابداران مدارس و سرانجام دانشجویان رشته کتابداری و حتی مخاطبان عام را هم پوشش می‌دهد

نقش آموزش و پرورش مطرح شده شاید بتواند تأثیر بیشتری داشته باشد.

#### بررسی کتاب

کتاب دارای دو بخش متفاوت است. بخش اول ایجاد و آموزش کتابخانه‌های آموزشی است که موضوع ایجاد و راه اندازی کتابخانه مدارس از فصل ۱۱-۱۵ یعنی از صفحه ۷۱-۱۳۹ به آن پرداخته شده است. در بخش دوم به نقش مطالعه و کتابخانه پرداخته شده و به این ترتیب تا حدودی به هدف نزدیک شده است. اما میزان پرداختن به مباحث فوق و اثرگذار بودن آن برای نزدیک شدن به هدف جای بحث دارد. برای نمونه موضوع سازماندهی با وجود اینکه در کتاب بدان اشاره شده، ولی لازم است که مفصل‌تر به آن پرداخته شود تا این کتاب به‌عنوان کتاب کار و دستنامه هم بتواند تا حدودی کتابداران را از مراجعه به منابع اصلی بی‌نیاز کند که البته چنین نیست یا در بخش فعالیت‌ها به مواردی پرداخته شده که جزء فعالیت‌های فوق برنامه مدرسه محسوب نمی‌شود، در حالی که با انتخاب خدمات مناسب و متنوع و طرح آن در مدارس، می‌توان دانش‌آموزان را به کتابخانه هدایت و به مطالعه علاقه‌مند کرد. همچنین در بخش دوم مطالب

جنبه خاصی به کتابخانه‌های آموزشی پرداخته یا موضوعی را بیشتر مورد توجه قرار داده است. برای نمونه بعضی از این آثار به خدمات فنی و مسائل آن گرایش داشته و برخی دیگر خدمات عمومی و فعالیت‌های کتابخانه را مطرح کرده‌اند. با وجود اهمیت طرح کتابخانه‌های آموزشی در جامعه هراندازه که تعداد منابع در این زمینه فراوان باشد، باز هم مفید خواهد بود و مخاطبان را از جنبه‌های مختلف با مسئله آشنا می‌سازد. این کتاب هم با وجود کمبودهایی که دارد، می‌تواند یک منبع پایه باشد و امید است با برطرف کردن نقایص آن، به‌ویژه به‌عنوان یک کتاب تألیفی، کاربرد بیشتری داشته باشد، زیرا بیشتر منابع منتشر شده ترجمه هستند و با شرایط ما چندان تناسب ندارند.

اما جای تأسف است که با وجود بازگو کردن ضرورت ایجاد کتابخانه‌های آموزشی و نقش آن در افزایش میزان مطالعه در جامعه، آنچه وجود دارد، بسیار ضعیف‌تر از موارد مطرح شده است و آمار کتابخانه‌های آموزشی فعال، گواه این مسئله است. بنابراین آنچه در این کتاب درباره اهمیت و ضرورت وجود کتابخانه آموزشی، جایگاه کتابخانه، ضرورت استفاده از کارکنان در کتابخانه به‌خصوص کتابدار (کارشناس) یا

مختصری درباره نقش کتابخانه مطرح شده که جای بحث و تأکید بیشتر دارد و حتی به مباحثی مانند امانت و نحوه آن، خدمات عمومی مدرسه یا فعالیت‌های جانبی، تعمیر و صحافی منابع، وجین و رهنمودهای ایفلا اصلاً اشاره نشده است.

نکته مثبت در مقایسه با سایر منابع، تألیفی بودن آن است، بنابراین می‌تواند و بهتر است که کاربردی‌تر باشد. همان‌طور که پیشتر هم اشاره شد، چندین کتاب در موضوع کتابخانه‌های آموزشی تألیف و ترجمه شده که هر کدام از منظری به این مقوله پرداخته و در هریک از آنها به موضوعی بیشتر توجه شده است و در مجموع هیچ‌کدام کامل و جامع نیستند. نزدیک به ۱۱ کتاب در این زمینه منتشر شده است.

برخی از موضوعات کتاب جدید است و بعضی هم تکراری است. نگارنده این سطور، پس از مطالعه کتاب ذکر نکات زیر را ضروری می‌داند.

۱. در تدوین تاریخچه کتابخانه‌های سیار و مدارس گاهی کلی‌گویی و گاهی بی‌دقتی و شتاب صورت گرفته که بررسی تاریخ کتابخانه‌های مدارس در منابع دیگر مؤید این مسئله است، یا در صفحه ۴۷ و به‌خصوص در اواخر صفحه، بدون آنکه سندی ذکر شود، حکم کلی داده شده است.

۲. اطلاعات ارائه‌شده در بعضی موارد به بازنگری نیاز دارد، مانند کتابخانه‌های زندان یا نابینایان یا بیمارستانی که جزء کتابخانه‌های تخصصی محسوب شده‌اند، در حالی که این کتابخانه‌ها می‌توانند کارکرد عمومی یا با وجود افراد خاص و نیازهای ویژه آنان آموزشی (نابینایان) داشته باشند.

۳. برخی از پیشنهادها ارائه‌شده با توجه به شرایط مدرسه‌های ایران کمی دور از ذهن است و شاید راه‌حل‌های عملی و واقع‌بینانه‌تری نیاز باشد، مانند پیشنهاد تهیه کتاب‌های نایاب یا مجموعه‌های اجاره‌ای که چندان نیازی به تهیه این کتاب‌ها نیست و بهتر است آنچه را که قابل تهیه است، فراهم کرد.

۴. در بخش پرداختن به ادبیات و شخصیت‌پردازی (ص ۹۴) باز هم حکم کلی داده شده، در صورتی که ویژگی شخصیت در افسانه‌ها چنین است و همیشه حکم صادرشده درست نیست.

۵. گاهی سرفصل‌های انتخاب‌شده با متن آن هماهنگ نیست، مانند صفحه ۸۳ و شماره ۱۱-۵۴

که بیشتر به موضوع زیبایی پرداخته و سرفصل چیز دیگری است، یا شماره ۱۱-۸۴ در صفحه ۸۴ بعضی از وسائل و تجهیزات ذکر شده مانند جای اطلس و نقشه‌دان در کتابخانه‌های آموزشی ایران چندان کارآیی ندارد. در ضمن استفاده از عکس و تصویر در بعضی از بخش‌ها به عنوان تزئینات، وسائل و تجهیزات و آرایش و چیدمان کتابخانه برای درک مطلب ضروری به نظر می‌آید. این موارد هرچه کاربردی‌تر باشد، بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۶. شیوه انتخاب عنوان و شماره‌گذاری فصل‌ها و بخش‌های کوچک‌تر نامناسب است. بعضی بسیار طولانی و بعضی هم مخدوش است و تقدم و تأخر مطالب و نحوه شماره‌گذاری، خواننده را از موضوع‌های قبلی دور می‌کند و باعث آشفتگی ذهن مخاطب می‌شود.

۷. ارائه آمارها بدون ذکر تاریخ است و مشخص نیست که این اطلاعات متعلق به چه زمانی است (برای نمونه بنگرید به: ص ۱۰۴).

۸. منابعی که برای بخش انتخاب کتاب معرفی شده‌اند، بسیار قدیمی و گاهی کاملاً غیرقابل استفاده هستند. زیرا کتاب‌هایی را که در این منبع معرفی شده‌اند، اکنون در بازار کتاب موجود نیست. تنها کتاب هفته در بین منابع معرفی شده روزآمد است. به منابع موجود فعلی مانند فهرست شورای کتاب کودک و کتاب ماه ادبیات کودک و نوجوان که امید است، انتشار آن ادامه پیدا کند و سایر منابع هیچ اشاره‌ای نشده است.

۹. کتاب فاقد نمایه است و مؤلف در ارجاع‌دادن یکسکان عمل نکرده است. گاهی ارجاع درون‌متنی است و گاهی زیرنویس است. کتاب‌شناسی پایان کتاب هم در چند مورد کامل نیست، مانند شماره‌های ۳۰، ۴۱ و ۴۲. بعضی از منابع هم به نظر نمی‌آید که در متن از آنها استفاده شده باشد.

۱۰. کتاب نیازمند ویراستاری جدی و دقیق است.

پی‌نوشت‌ها:

1.soury\_mofard@yahoo.com

مآخذ

۱. نیری، حسن (۱۳۸۳). *درآمدی بر مطالعه و نشر خدمات ویژه کتابخانه‌های عمومی در توسعه فرهنگ مطالعه*. تهران: چاپار.
۲. کتاب هفته

با وجود اهمیت طرح کتابخانه‌های آموزشی در جامعه هراندازه که تعداد منابع در این زمینه فراوان باشد، باز هم مفید خواهد بود و مخاطبان را از جنبه‌های مختلف با مسئله آشنا می‌سازد